

اروپایی‌ها ملت‌هایی هستند که بر اساس تحقیقات آلمان‌ها در سال ۲۰۰۲، ۸۷ گروه نژادی تشکیل شده‌اند که ۳۰ گروه از اینها بزرگ‌تر از بقیه هستند و در روسیه، آلمان، فرانسه، اسپانیا و پرتغال زندگی می‌کنند. فرهنگ همه آنها یکی است و میراث یهودی-مسیحی بر این فرهنگ حاکم است. این واژه اکنون در جهان غرب بسیار رایج است و به ارتباط میان یهودیان و مسیحیان اشاره دارد. پس میراث یهودی-مسیحی یکی از اجزای اصلی تمدن غربی است؛ پس مسیحیان تورات را تقدیس می‌کنند و نام آن را عهد عتیق می‌گذارند و به قول خودشان تورات قسمت اول کتاب مقدس است و عهد جدید (انجیل) قسمت دوم آن است. در گذشته، رابطه میان یهودیان و مسیحیان در نوسان و بی‌ثبات بوده اما در قرن اخیر، پس از ظهور صهیونیسم مسیحی در ایالات متحده آمریکا، این رابطه به یک ائتلاف تبدیل شده است. صهیونیسم مسیحی به دلایل مذهبی از ایجاد اسرائیل پشتیبانی می‌کند، زیرا پروتستانتیسم بشدت تحت تاثیر یهودیت قرار گرفته است.

به طور کلی، فرهنگ اروپایی بر اساس دینات مسیحی و تمدن «رومی-یونانی» بنا شده است. اروپایی‌ها از زمان‌های قدیم ویژگی مشخصی دارند که آنها را از سایر اقوام جهان متمایز می‌کند و آن «قساوت و بی‌رحمی» است، تا آنجا که شکنجه و قتل در نزد آنها نوعی سرگرمی است. چنانکه آوردگاه مرگ یا کولوسوم (Colosseum) در قلب شهر رم منبع سرگرمی تمام جامعه از جمله مردان و زنان و کودکان بوده است. خانواده‌ها به تماشای شیرهای درنده‌ای می‌رفتند که برای مدتی گرسنه نگاه داشته می‌شدند و آنگاه اسرای جنگی و زنان و کودکان‌شان را وارد آوردگاه مرگ می‌کردند و شیران گرسنه آنها را در میان خنده‌ها و لذت بردن حاضران می‌کشتمند و قطعه‌قطعه می‌کردند؛ همان‌گونه که اسرای جنگی دشمن را مجبور می‌کردند که با یکدیگر بجنگند و در میان آنها کسالتی بودند که با هم دوست بودند اما مجبورشان می‌کردند یکدیگر را به قتل برسانند. یا مسابقات شمشیربازی که با مرگ شرکت‌کنندگان پایان یافت و محبوب‌ترین بازی توده‌های قدیمی جوامع اروپایی و روم باستان بود. بنابراین درمی‌یابیم جنگ‌هایی که به کشته شدن میلیون‌ها نفر منجر می‌شود، امری تکرار شدنی در بین اروپایی‌ها بوده است. نمونه‌ای از آن جنگ‌های اروپایی جنگ ۳۰ ساله‌ای است که در آن بیش از ۱۱ میلیون نفر کشته شدند و جمعیت آلمان از ۲۰ میلیون به ۱۳ میلیون کاهش یافت. این منجر به کمبود قابل توجه جمعیت مردان شد و حکومت وقت مردان را به اختیار کردن چند همسر مجبور کرد یا در جنگ‌های ناپلئون، بیش از ۶ میلیون نفر کشته شدند، همچنین در جنگ ۷ ساله بریتانیا و فرانسه بیش از ۱۴ میلیون نفر کشته شدند. در جنگ داخلی روسیه نیز بیش از ۹ میلیون نفر و در جنگ‌های مذهبی فرانسه حدود ۴ میلیون نفر کشته شدند. در جنگ اول جهانی نیز که بین اتریش و صربستان آغاز شد، بیش از ۲۰ میلیون نفر کشته شدند و در جنگ دوم جهانی که با حمله آلمان به لهستان شروع شد، حدود ۸۵ میلیون نفر کشته شدند. در مجموع جنگ‌ها و قتل‌عام‌ها، اروپایی‌ها بیشتر از آن چیزی است که در این مقاله بخوبی دیده‌اند. اینها جنگ‌های وحشتناک و کشتارهای گسترده‌ای است که در آن شکنجه و قتل به وحشتناک‌ترین طرق ممکن انجام شده است. مثال اینگونه روش‌های وحشتناک شانه کردن سر به وسیله شانه آهنین، استفاده از اره برای قطعه‌قطعه کردن بدن انسان، استخوان خرد کردن با ابزارهای فشار، استفاده از سیخ‌های سرخ شده در آتش برای شکنجه و کشتن انسان، پاره کردن و از هم دریدن پاهای انسان و شکستن فک انسان و



همچنین استفاده از ابزار کندن پستان برای از ریشه در آوردن پستان‌های زنان و تابوت آهنی و صندلی محاکمه در دادگاه نفتیش عقاید که همگی مشتعل بر میخ‌های سربرآورده بوده‌است. هنگامی که اروپایی‌ها با این قساوت و بی‌رحمی از اروپا بیرون آمده و به جهان خارج رسیدند، موجب ویرانی و نابودی هولناکی برای بشریت شدند. به سمت غرب و آمریکا که رفتند، ساکنانش را و آنچه را که روی زمین بود، از بین برده و بدترین ابزارها را به کار بردند که حتی به ذهن هم هرگز خطور نمی‌کند. آنها همچنین صدها پتورا که به آبله، سل، و وبا آلوده بود، به عنوان هدیه به مردم بومی دادند تا بدون کوچک‌ترین تلاش، همه آنها را درو کرده و از بین ببرند و میلیون‌ها بومی را در مدت چند سال کشتند. آنها به هر کسی که سر یک مرد، زن یا کودک را برای‌شان می‌آورد، جایزه مالی می‌دادند و برای جمع‌آوری سرهای انسان‌های بومی، تعداد کثیری ششکارچی انسان را در سرتاسر قاره آمریکا پراکنده کردند و قتل‌عام هولناکی به راه انداختند. سپس کار را به کندن پوست سر محدود کردند تا حمل آن آسان‌تر باشد و بسیاری از این ششکارچیان افتخار می‌کردند که کفش‌های‌شان از پوست انسان ساخته شده است. این اعمال توسعه یافت و مراسم سلاخی و مثله کردن انسان‌ها با حضور مقامات ارشد اروپایی برگزار می‌شد. این اشغالگران بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از جمعیت بومی آمریکا را کشتند و در نتیجه جمعیت کامل ساکنان اصلی آمریکا تغییر یافت و اروپایی‌ها جایگزین آنها شدند. امروز همه کشورهای قاره آمریکا از شمال تا جنوب متعلق به اروپایی‌ها از نژادهای مختلف است. برزیلی‌ها پرتغالی و اسپانیایی و آرژانتینی‌ها اسپانیایی و ساکنان اصلی آمریکا تغییر یافت و اروپایی‌ها جایگزین آنها شدند. امروز همه کشورهای قاره آمریکا از شمال تا جنوب متعلق به اروپایی‌ها از نژادهای مختلف است. برزیلی‌ها پرتغالی و اسپانیایی و آرژانتینی‌ها اسپانیایی و ساکنان اصلی آمریکا تغییر یافت و اروپایی‌ها به سمت آفریقا رفتند «برده‌داری» را به تجارت تبدیل کردند و

نگاهی به عملکرد جنایت‌بار نژاد اروپایی در جهان

# نمایش آزادی و مدارا پس از چند قرن کشتار

■ عبدالعلیم شداد\* ■



زور اسلحه، چین را وادار به گوشودن درهایش جهت واردات موادمخدر کنند که موفق شدند. به این ترتیب چین را شکست دادند و به پکن وارد شدند و امپراتور دوره سهام شرکت‌های خرید و فروش برده پرسودترین بود. پس از آزاد شدن تجارت برده و اجازه یافتن شرکت‌های خصوصی برای ورود به این نوع تجارت، این شرکت‌ها تعداد کثیری از آفریقایی‌ها را به کشورهای اروپایی و مستعمرات آنها در سراسر جهان صادر می‌کردند، شرکت‌های فرانسوی به تنهایی حداقل یکصد هزار آفریقایی را در سال به مناطق تابعه فرانسه در آمریکا می‌فرستادند. علاوه بر این، شرکت‌های اسپانیایی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، پرتغالی و… نیز در همین حد فعالیت می‌کردند و تعداد آفریقایی‌هایی که به آمریکا فرستاده شدند، میلیون‌ها نفر تخمین زده می‌شود. همه این اقدامات کاملاً مقبول و پذیرفته شده بود و دولت‌های اروپایی برای آن مجوزهای لازم را صادر می‌کردند و مردم با خرید سود ان در این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کردند. آنچه گذشت اعمالی بود که اروپایی‌ها در آمریکا و آفریقا انجام دادند. در آسیا نیز آنها کارهای شگفت‌انگیزی انجام دادند. حکومت‌های اروپایی در آسیا به تجارت موادمخدر رو آوردند و بریتانیا نخستین محموله موادمخدر را در سال ۱۷۸۱م به چین صادر کرد. هنگامی که مشکلات اعتیاد در چین شروع

■ ■ ■
**کولوسئوم در قلب شهر رم منبع سرگرمی تمام جامعه بود. خانواده‌ها به تماشای شیرهای درنده‌ای می‌رفتند که برای مدتی گرسنه نگاه داشته می‌شدند و آنگاه اسرای جنگی و زنان و کودکان‌شان را وارد آوردگاه سرگ می‌کردند و شیران گرسنه آنها را در میان خنده‌ها و لذت بردن حاضران می‌کشتمند و قطعه‌قطعه می‌کردند؛ همان‌گونه که اسرای جنگی دشمن را مجبور می‌کردند که با یکدیگر بجنگند و در میان آنها کسالتی بودند که با هم دوست بودند اما مجبورشان می‌کردند یکدیگر را به قتل برسانند**

خود شدند. قتل‌عام در بوسنی به مدت ۴ سال ادامه یافت. صرب‌ها در این مدت بیش از ۸۰۰ کسمسجد را ویران کردند که بنای برخی از آنها به قرن شانزدهم

شنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۷

جهان را در اختیار دارند؛ چنانکه آنان بعد از آنکه صاحبان اصلی سرزمین‌های شمالی و جنوبی آمریکا را قتل‌عام کردند، مالک این سرزمین‌ها شدند، همچنان که بعد از قتل‌عام بومیان استرالیا، آن سرزمین را نیز صاحب کردند. انگلیسی‌ها که بر بریتانیا حکومت می‌کنند ۱۶ کشور دیگر را نیز تحت سیطره خود دارند، به‌رغم آنکه به عنوان کشورهای مستقل ثبت شده‌اند اما هنوز تحت سلطه پادشاهی بریتانیا قرار دارند و این کشورها را اقالیم ماوراء بحار بریتانیایی می‌گویند که مشهورترین آنها کانادا، استرالیا و جامائیکاست. همان‌گونه که فرانسه نیز دارای سرزمین‌های وسیعی در همه قاره‌های جهان است و ۱۳ اقلیم را شامل می‌شود که به عنوان اقالیم ماوراء بحار فرانسوی شهرت دارد. بد نیست بدانیم که کشور و ملت کوچکی مانند دانمارک هم مناطقی را در خارج از اروپا دارد که بیش از ۱۰ برابر بزرگ‌تر از خود این کشور است مانند گرینلند (Greenland) و جزایر فائو (FaolIslands) در نتیجه اروپایی‌ها مناطق وسیعی را به تملک خود درآورده‌اند که از نیازهای خودشان چندین و چند برابر بزرگ‌ترند و بیشتر این مناطق از غنی‌ترین مناطق جهان هستند و به این ترتیب ثروت‌های عظیم و پایان‌ناپذیر را در اختیار دارند. آنها با کنترل جهان به رونق بی‌سابقه در سراسر جهان دست یافته‌اند و با ایجاد بزرگ‌ترین حزب سیاسی سرمذهبی در جهان به نام «فراماسونری» هنوز هم برای تکمیل سلطه خود بر جهان تلاش می‌کنند که بسیاری از رهبران و بازرگانان بزرگ و صاحبان رسانه‌های عالم در آن عضویت دارند. تمام این رشد و توسعه وحشتناک (اروپایی‌ها در جهان) به سلب شدن کامل خردهای ما منجر شده، چنانکه هنگامی که به مردم اروپا، آمریکا، آسیا یا استرالیا نگاه

می‌کنیم که مثل هم لباس می‌پوشند و مثل هم غذا می‌خورند و بازی‌های‌شان مثل هم است، تصور می‌کنیم که ما نیز باید همان کارهایی را بکنیم که آنها می‌کنند. زیرا این همان چیزی است که تمام جهان انجام می‌دهد و نمی‌دانیم که آنها همان مردمی هستند که در همه قاره‌ها دارای فرهنگ واحدی هستند، پس ذهن‌های ما اسیر آنها شده و پشت‌سر آنها حرکت می‌کنیم و از دست خودشان به خودشان پناه می‌بریم. آنها وقتی که با یکدیگر رقابت دارند یا دیدگاه‌های آنها بر اساس مسائل خودشان متفاوت باشد، از ما بهره‌برداری و سوءاستفاده می‌کنند و برخی را به کمک این یا آن تحت فشار قرار می‌دهند. از این رو ما نیز اسیر ذهن‌های ما اسیر آنها شده و پشت‌سر آنها حرکت می‌شویم و در نمی‌بینند آنچه آنها می‌بینند و نشان می‌دهند به کار بیندازیم. این همان آزادی‌ای است که ما در این مقاله آن را در نظر داریم. این آزادی هیچ شباهتی به آزادی بر اساس نسل‌کشی و ریشه‌کن کردن و استثمار دیگران ندارد، زیرا ما اتباع دینی هستیم که به آسان کرامت و عزت داده و ارزش او را بالا برده، دینی که آزادی برده را عبادت قرار داد و در جنگ‌ها قتل زنان و کودکان را ممنوع و حسن رفتار با اسیران را واجب کرده است: «و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند». (سوره انسان، آیه ۸) دینی که پیامبر اعظمش در جنگ به اصحابش فرمود: «بروید به نام خدا و به ذات خدا و بر کیش رسول خدا(ص)، و مردان سالخورده و کودکان و خردسالان و زنان را نکشید و به زنجیر نکشید… احسان کنید و اصلاح نمایید که خداوند احسان‌کنندگان را دوست می‌دارد.» اما آیا ما ذهن‌ها و ایده‌های‌مان را از سیطره اروپاییان آزاد کرده‌ایم تا بتوانیم پیام خود را که پیام خیر و صلح برای جهان است، انتشار دهیم؟

**\*نویسنده و محقق سودانی**

• ارائه طرحی هسته‌ای که باید هرگونه نگرانی ناشی از برخی مطالب در ضمیمه برجام را برطرف کند. (مشخص نشد)

• ساماندهی اجرایی تحقیق و توسعه جهت عدم کمبود فناوری غنی‌سازی در پایان ۸ سال (مشخص نشد)

• در موارد ابهام سند برجام، تفسیر طرف مقابل مورد قبول نیست و مرجع، متن مذاکرات است. (نقض شد)

• عدم بازگشت‌ناپذیری تعهدات ایران (نقض شد)

• عدم پذیرش مذاکره زیر شبح تهدید (نقض شد)

• دومرحله‌ای نشدن مذاکرات گام نهایی (نقض شد)

• تغییر نیافتن رأکتور آب سنگین اراک (نقض شد)

• مخالفت با زمان‌های ۱۵ و ۲۵ سال برای انتام برخی موضوعات (نقض شد)

• درباره شروط نه‌گانه رهبری برای اجرای برجام نیز وضعیت تفاوتی با خطوط قرمز نمی‌کند. به طور مثال:

• اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپایی مبنی بر لغو تحریم‌ها (نقض شد)

• هرگونه اظهاری مبنی بر اینکه ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به منزله نقض برجام است. (نقض شد)

• وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای نقض برجام محسوب خواهد شد. (نقض شد)

• در صورت نقض، دولت موظف است فعالیت‌های برجام را متوقف کند. (نقض شد)

• انعقاد قرارداد قطعی و مطمئن درباره طرح جایگزین اراک و تضمین کافی برای اجرای آن (نقض شد)

• معامله و تبادل اورانیوم غنی شده موجود باید بتدریج و در دفعات متعدد باشد. (نقض شد)

## هیچ چیز عوض نشده است!



شورای حکام آژانس در اجلاس نوامبر اشاره کرد ولی مناسفانه مطابق صفحات ۴۱۷ تا ۴۱۹ کتاب، آنچه

حاصل می‌شود، تنها تحقق ۲ شرط از ۷ این شرط است. البته آقای روحانی در اظهارنظری بیان می‌کند که در توافق پاریس طبق مصوبه رسمی جلسه سران نظام عمل شد!

همچنین با وجود تعهد رسمی ایران مبنی بر تعلیق همه فعالیت‌های هسته‌ای تا رسیدن به یک توافق بلندمدت، او در کتاب خود می‌نویسد: «پس از سفر پاریس و توافق با شیراک، امید جدیدی ایجاد شده بود و نظر عده‌ای که می‌گفتنداروپا به هیچ شکل زیر بار غنی‌سازی نمی‌رود بشدت تضعیف شده بود!» آقای روحانی در این سال‌ها نه‌تنها از این شیوه پاسخگویی و تحریف واقعیت دست برنداشت، بلکه به طور کامل از آن در دوره ریاست‌جمهوری‌اش رونمایی کرد. وی در چهارمین نشست خبری دولت یازدهم

عباس شریفی؛ پنجمین سال از مدیریت حسن روحانی بر امور کشور گذشت، با چشم برهم زدن سال هشتم نیز خواهد رسید. بعید است اتفاق چندانی افتاده باشد. در این ۵ سال اگر خبری از «رفح تحریم‌ها»، «هرآمد سرشالر»، «رونق اقتصاد»، «حقوق شهروندی»، «شفافیت دولت‌مردان»، «مسکن اجتماعی» و باقی وعده‌های زیبای روحانی شد، در ۳ سال آینده نیز اتفاقی خواهد افتاد! وضعیت اقتصادی کشور امروز برای همه روشن کرده است که رئیس‌جمهور و دولت عملاً ایدم‌ای برای مدیریت کشور ندارند. در واقع روحانی به جای «مدیریت امور کشور»، تمرکز خود را بر «مدیریت افکار عمومی» گذاشته و فکر می‌کند اگر یک جمله بگوید که «بعضی‌ها فکر می‌کنند ما برای مشکلات برنامه‌های نداریم، آدرجالی که! ما برای تمام مشکلات برنامه داریم» واقعا همه مشکلات حل می‌شود و این امر البته مساله جدیدی نیست. این روش در سال‌های نه چندان دور و پیش از تصدی ریاست‌جمهوری امتحان شده بود و تا زمانی که موفق باشد، از سوی روحانی و تیمش تکرار خواهد شد. در این رابطه نگاهی به مستندات تدوین شده توسط روحانی بخوبی نوع و شیوه مدیریت ایشان را آشکار می‌کند. حسن روحانی در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» به بیان مفصلی از روند مذاکرات هسته‌ای ایران با ۳ کشور اروپایی در سال‌های ۸۲ تا ۸۴ پرداخته است. دورانی که به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی مسؤولیت مذاکرات را به عهده داشت. حسن روحانی در این کتاب به دیدار با مقام معظم رهبری قبل از مذاکرات سعدآباد اشاره می‌کند: «در ملاقات حضوری با مقام معظم رهبری جزئیات را مطرح کردم، معظم‌له در این ملاقات با تعلیق در حد گازدهی نظمنز موافقت کردند.» با نگاهی به نتیجه مذاکرات آن دوران و اسنادی